

تشخیص رابطه حقوقی بین افغانستان و سایر ممالک

(در موارد تشخیص رابطه حقوقی در قضیه ای که تنازع قوانین در آن موجود گردد، احکام قانون افغانستان قابل تطبیق می باشد.)

(بگونه مثال منازعه طلاق بین زن و شوهر هلندی و آلمانی در افغانستان)

عریضی قبل از ورود به اصل مطلب:

من امروز در بخش بسیار مهم دیگری از کُد مدنی و یا نظام حقوقی کشور ما که خانواده های مسکون در خارج مملکت خواسته و یا ناخواسته به آن ضرورت پیدا و یا مواجه میشوند: شروع می کنم: و با درک ضرورت مبرم هم میهنان درین زمینه به صفت خدمتگاران ایشان قرار می گیرم: و در همین عرصه جهت آگهی قبلی مطالب آتی را طور مؤجز و مختصر برجسته می نمایم:

۱ - ما: در خارج مملکت با شرایط مختلف و گوناگونیکه زندگی می نمایم در عرصه نظام حقوقی تابع احکام قوانین کدام مملکت هستیم؟

۲ - قوانین مدنی مملکت متبوع (یا محل زندگی) چگونه رابطه ای با نظام حقوقی کشور ما دارند؟

۳ - اگر احکام قوانین مملکت محل سکونت با قوانین میهن ما در تعارض قرار گیرد احکام کدام قانون قابل تطبیق است؟

درین رابطه ابتدا بهتر است از هدایت کُد مدنی افغانستان بخوانیم:

ماده «۱۶» قانون مدنی یا نظام حقوقی کشور:

(در موارد تشخیص رابطه حقوقی در قضیه ای که تنازع قوانین در آن موجود گردد، احکام قانون افغانستان قابل تطبیق می باشد.)

مُحتوای هدایت متذکره گرچه به «حقوق بین الدول خصوصی که قابلیت تطبیق و چگونگی قوانین را مشخص می سازد» تعلق می گیرد:

ولی یک تعدادی از احکام قوانین و قضایا و مطالب دیگریکه ضرورت مبرم و اساسی آن در ساحة مدنی و حقوقی احساس شود قابل توضیح و روشنی لازم دیده می شوند: همانطوریکه در بالا ملاحظه فرمودید مطالب زیرین در متن ماده فوق قانون مدنی موجود است که ذیلن به توضیح آن می پردازم:

تنازع قوانین:

تشخیص رابطه حقوقی

تثبیت قانون قابل تطبیق در قضایای مربوط

زمانیکه حقیقت روشنی برخواسته از تعارض و تنازع قوانین که از دو گانگی احکام آنها و یا ابعاد دیگری از قضایا برای تشخیص و تطبیق احکام بر ملا و ظاهر میگردد تنازع قوانین و تعارض احکام بروز می کند؛ و در پی آن بایسته های دیگری ایجاد می شود که خواهی خواهی به آن پایبند

بمانی - چنانچه در دامنه همین اختلاف قوانین مشکل اصدار احکامی است که به استناد کدام احکام قانون صورت گیرد و به آن تکیه شود و مبتنی بر احکام آن در جهت تأمین عدالت استفاده گردد. بلی با توجه اندک بر مطالب ارائه شده درک می کنیم که تنازع قوانین این گستره عظیم تشخیص صلاحیت استناد به احکام قانون را ایجاد می کند.

تشخیص رابطه حقوقی:

همانطوریکه در بالا عرض شد در پیش آمد و تبارز چنین قضایا مصلحت بر آن بوده است تا برای تأمین عدالت و رعایت رابطه حقوق افراد جامعه بشری بر مبنای تأدیة حق به حقدار بهتر است رابطه حقوقی ممالک را بدانیم و بعد با تشخیص قانون نافذیکه که در آن جا نزاع و جنجال حقوقی بوجود آمده است به حل و فصل قضیه اقدام نماییم تا باشد با تطبیق احکام همان قوانین درون مملکتی و مصادر و اسناد منطبق بر قضیه اصدار حکم صورت گیرد و تأمین عدالت بمیان آید.

مدلل بر همین گفته ها: قانون نافذ افغانستان قابل تطبیق دانسته شده و مبتنی بر آن صدور احکام به اتکای مستندات اطراف قضیه و شواهد مطرح در اجرای عمل انجام شده صورت می گیرد و طبعاً در چنین حالت احکام قانون افغانستان معتبر شناخته می شود.

ملاحظات ارائه شده زمینه ساز آنست تا با وضاحت تمام ضرورت تشخیص روابط حقوقی قوانین ممالک ذیربط را با یکدیگر بدانیم و از آن با خبر باشیم.

نویسنده: اگر دقت فرموده باشید درج هدایت ماده متذکر در کد مدنی افغانستان بطور صریح از محکمه با صلاحیت ذکری بمیان نیامده و محکمه ذیصلاح تعیین نشده است ولی صرف از تطبیق احکام قانون افغانستان تذکار بعمل آمده است:

اما قراین و روال هدایت و اوامر ماده متذکره و بویژه ذکر «تطبیق» می رساند که مقر اصدار حکم هم با یست محاکم افغانستان باشد.

با توجه به آنچه خواندیم برداشت من اینست: در صورتیکه احکام و هدایت خاص قانونی دیگری وجود نداشته و محکمه خاصی موجود نباشد، در آن صورت نباید صلاحیت اصدار حکم از طرف محاکم دیگری نیز نادیده گرفته شود در صورتیکه بر مبنای احکام قانون افغانستان اصدار حکم نمایند.

به همه حال بهتر دیدم با روال و روش گذشته موضوع را با ارائه مثالی خدمت شما عرضه دارم تا اگر اغماضی پیش آمده باشد حل شود:

ما درین جا مثالی می آوریم از وقوع و یا منازعه طلاق بین دونفر (زن و شوهر) از اتباع کشور های اروپایی در افغانستان:

در جریان بالا دیدیم که برای حل و فصل چنین قضایا که در موضوع مورد بحث ما تذکار یافت: (احکام قانون افغانستان) قابل تطبیق دانسته می شود اکنون با ذکر این مثال که در راستای حل قضیه در منازعه ایجاد شده زوجین و تعارض قوانین طرفین دعوی، قانون قابل تطبیق را روشن می سازیم:

قبول کنیم بین دونفر از اتباع (هلند و آلمان) زن و شوهریکه در قضیه طلاق خود ها در افغانستان اختلاف پیدا کنند و موضوع به دعوی و نزاع منجر شود در آن صورت با در نظر داشت تشخیص رابطه حقوقی با توجه به تنازع قوانین (یعنی قوانین مملکتین طرف دعوی) قوانین افغانستان قابل تطبیق است.

یاد داشت: من آنچه مینویسم فقط هدایت و داشته های متن و هدایت قانون است و تطبیق قانون و چرا های عدم تطبیق آن به مراجع مربوط ارتباط دارد.

با عرض حرمت سخی صمیم.

